

مبانی و دلایل اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (منع جمع مشاغل)

فیروز اصلانی*
عبدالمجید رحمانیان**

چکیده

اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلی پایه‌ای و اساسی است که ممنوعیت جمع مشاغل را بیان می‌کند. این اصل دارای مبانی شرعی، حقوقی، فکری و فلسفی و تاریخی است. برای ممنوعیت اجتماع مشاغل در یک فرد، دلایل متعددی بیان شده است که از آن جمله، جلوگیری از ایجاد وقفه در کارها، پیشگیری از اعمال نفوذ احتمالی، عدالت استخدامی و شغلی، جلوگیری از تضییع بیت‌المال، رشد استعدادها و تخصص‌گرایی است. توجه به این اصل در جهت بهبود جامعه سالم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

واژگان کلیدی

مشاغل، تفکیک‌قوا، عدالت شغلی، اصل ۱۴۱ ق ج.ا.ا.

مقدمه

اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی^۱ ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل را مطرح می‌سازد

aslanif@ut.ac.ir

*. استادیار دانشگاه تهران.

**دانشجوی دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران.

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۴

۱. «رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی

که از دیرباز مد نظر فلاسفه سیاسی در طرح آرمانشهر آنها قرار داشته است. ما برآنیم تا در این مقاله مبانی شرعی، حقوقی، فکری و فلسفی و تاریخی این اصل را بیان کنیم. سپس دلایل اینکه چرا نباید هر شخص بیش از یک شغل داشته باشد را مطرح نماییم. بنابراین مقاله حاضر در دو فصل مبانی و دلایلی تدوین یافته است. به دلیل اینکه ابتدای اصول قانون اساسی بر قواعد و مقررات اسلامی است، ابتدا در فصل اول به کشف مبانی شرعی آن پرداخته‌ایم. همچنین در مبانی فکری و فلسفی، آراء و نظراتی را از فلاسفه بزرگ یونان و همچون افلاطون و ارسطو و فیلسوفان و اندیشمندان اسلامی همچون فارابی، ابن‌سینا، خواجه‌نصیرالدین طوسی و ... به دست آوردیم.

در ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ مجلس شورای اسلامی به منظور اجرایی شدن این اصل «ماده واحده ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل» را تصویب کرد. بی‌شک برای داشتن جامعه‌ای سالم و عادل، اجرای قاعده‌مند این اصل بسیار مهم است.

فصل اول: مبانی

در این فصل، مبانی شرعی، حقوقی و تاریخی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. مبناى شرعى اصل ۱۴۱ قانون اساسى جمهورى اسلامى ایران
در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به مبناى شرعی داشتن اصل منع جمع مشاغل و دلایل آن اشاره شده است. از جمله اینکه:

... این اصل زمینه شرعی دارد ... ما می‌خواهیم کسانی که در رأس امور واقع می‌شوند اشخاصی باشند که دنیاپرست و سودجو و نظیر اینها نباشند ... چرا باید عده‌ای دو سه نوع کار داشته باشند و عده زیادی بی‌کار بگردند؟ (بی‌نا، ۱۳۶۴: ۲ / ۱۳۳۴)

داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی، از این حکم مستثنی است.»

آنها نگاهی به دستورنامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر داشته‌اند. زمانی که امام، مالک را والی مصر می‌گرداند دستورهایی جامع در امر حکومت‌داری بیان می‌کند و از جمله می‌فرماید: «و در رأس هر کاری از کارهایت، شخصی را قرار بده (منسوب کن) ...». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

امام در این دستور فرمان می‌دهد که در رأس هر کاری باید رئیسی قرار گیرد و اشاره می‌کند به اینکه تقسیم کار به صورتی انجام شود که مسئولیت هر یک از کاتبان روشن شود ... مثلاً بخشی از نامه‌ها مربوط به پیمان‌های صلح، قراردادهای اعم از قراردادهای مربوط به خارج و قراردادهای داخلی درباره زمین‌های کشاورزی و مانند آن است که باید مسئول معینی داشته باشد. بخش دیگری نامه‌های محرمانه است که احتیاج به مدیریت خاصی دارد و بخشی مربوط به نامه‌های فرمانداران و استانداران و امثال آنها و قسمتی مربوط به تظلم‌های مردم مظلوم و ستم‌دیده است. هر یک از اینها باید مسؤول خاصی داشته باشد. بعضی از شارحان نهج‌البلاغه این دستور را تنها ناظر به دبیران و منشیان مخصوص ندانسته‌اند بلکه به تمام کارهای مملکتی اشاره می‌دانند. مفهوم آن این است که بخشی از کارها باید به دست وزیری سپرده شود و وزارتخانه او ناظر به امور معینی باشد بی‌آنکه تداخلی در کارها رخ دهد و یا کاری بدون سرپرست و مسؤول باقی بماند». (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۴۴)

بی‌شک، پرداختن به امور و شغل‌های متفاوت و متعدد موجب پراکندگی فکر و حواس می‌گردد و فراغت فکر و رأی برای انجام وظیفه و مسئولیت را از بین می‌برد و در این حالت است که به فرموده امام علی علیه السلام، «انسان در سردرگمی و تاریکی ره می‌سپرد که موجب کاهش بهره‌وری کار او می‌گردد». (نهج‌البلاغه، نامه امام به فرزندش امام حسن علیه السلام)

همچنین امام علی علیه السلام در یکی از کلمات قصار، نتیجه پرداختن به شغل‌های متفاوت و گوناگون را نتیجه نگرفتن و به هدف نرسیدن می‌داند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به کارهای مختلف بپردازد، نقشه‌ها و تدبیرهایش به جایی نمی‌رسد». (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۰۳)

هر کاری تدبیر خاص خودش را می‌طلبد و کارهای مختلف تدبیرهای مختلفی را طلب می‌کند و جمع کردن بین تعبیرهای متضاد، کار بسیار مشکلی است. به همین دلیل، افرادی را می‌بینیم که تمام هم خود را مصروف به یک فن

می‌کنند و توفیقات زیادی به دست می‌آورند. ولی افرادی که چندین فن مختلف و گاه متضاد را برعهده می‌گیرند غالباً همه را ناقص می‌گذارند و یا نتیجه چشمگیری به دست نمی‌آورند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ۱۵ / ۲۸۴)

امام صادق علیه السلام نیز خطاب به یکی از یارانش می‌فرماید:

کسی که همتش را مصروف به یک کار کند خداوند او را برای رسیدن به هدفش کمک می‌کند، اما آن کسی که هم او در وادی‌های مختلف است (اشتغال به امور متعدد) در هر وادی‌ای هلاک شود، خدا او را کمک نخواهد کرد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۴۶)

۲. مبنای حقوقی

منع جمع مشاغل، یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در حقوق عمومی به شمار می‌رود و یکی از اصول بسیار موجه است که مصلحت ملت و حسن جریان امور سیاسی و اداری را در پی دارد. در بسیاری از قوانین اساسی کشورهای پیشرفته که به آزادی ملت و سرشکن شدن قدرت و بازداری از استبداد و خودکامگی توجه دارند، این موضوع مهم مذکور افتاده است.

پی‌ریزی و تدوین این اصل برای آن است که در جامعه بنیان‌گذاری شود که حقوق مردم تأمین شود، اموال عمومی در معرض دستبرد و چپاول عده‌ای قرار نگیرد و مشاغل متعدد که موجب قدرت می‌شود در دست شماری از افراد، متمرکز نشود و در نتیجه جلوی سوءاستفاده از قدرت و فساد و خودرایی گرفته شود. بی‌شک، سرشکن کردن قدرت و توزیع خردمندانه آن، از شرایط مهم مردم‌سالاری است.

این اصل، در حقوق اساسی هنگام بحث تفکیک وظایف قوای سه‌گانه و در حقوق اداری در بحث تکالیف مستخدم کشور مطرح می‌گردد.

نظم و اعمال اداری هر کشور (اعم از سیاسی و اجرایی)، به هر ترتیبی که باشد، ارتباط همه جانبه‌ای با تمام امور و شئون جامعه دارد. حقوق ملت، حقوق بیت‌المال، زندگی روزانه مردم و کلاً ارزش‌های حاکم بر جامعه، نمونه‌هایی هستند که اعمال اداری همواره در برخورد و تماس با آنهاست. اگر مدیریت اداری، اعمال اداری و تصدی مشاغل دولتی در راستای ارزش‌های مدون پذیرفته شده، حاکم بر جامعه تنظیم نشود، هنجارهای سیاسی و اجتماعی

مبانی و دلایل اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران □ ۳۷

به هم خورد و امنیت خاطر را سلب می‌کند. دموکراسی مخدوش، حقوق مردم؛ ضایع، بیت‌المال؛ ضعیف، ارزش‌ها؛ مصدم می‌شود و فساد اداری و استبداد حاکم می‌گردد و بالاخره مشروعیت نظام اداری به شدت مورد تردید قرار می‌گیرد. (هاشمی، ۱۳۶۹: ۷۲)

بنابراین، مهم‌ترین هدف پی‌ریزی این اصل، حفظ حقوق ملت و اجرای عدالت در جامعه و جلوگیری از استبداد و سوءاستفاده از قدرت است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف دولت را در بند ۱۰ اصل سوم چنین برمی‌شمرد: «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور».

برای نیل به هدف مذکور، تمهیداتی در قانون اساسی به کار برده شده است که یکی از آنها منع جمع مشاغل است.

برای مبنای حقوقی منع جمع مشاغل می‌توان به اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز استناد کرد: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند».

خطوط اصلی نظام اداری بر اصل مشهور تفکیک و استقلال قوا از یکدیگر مبتنی است. یکی از حکمت‌های نهفته تفکیک قوا، جلوگیری از تمرکز قدرت و فسادهای ناشی از آن می‌باشد. (همان)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در تعیین معیارهایی برای ایجاد نظام صحیح اداری و برپایی عدالت شغلی و استخدامی خطوط کلی نظام اداری را بیان داشته است. بند ۶ اصل سوم که مقرر می‌دارد: «محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی»، مصادیق و راه‌های پیدایش استبداد و خودکامگی که یکی از مهم‌ترین آنها «جمع و تعدد مشاغل» است را مورد نظر داشته و برای از بین بردن آن تمهیداتی اندیشیده است. همچنین در بند ۹ اصل سوم مقرر می‌دارد:

رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، مسلماً جمع مشاغل در برخی افراد و مسؤولین، تبعیضی نارواست و راه ایجاد امکانات عادلانه برای همه مردم را می‌بندد. هر کس باید بتواند به شغلی دست یابد، آنچنان که در اصل بیست و هشتم قانون اساسی آمده است:

«هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

موضوع «شرایط مساوی برای احراز مشاغل» که قانون اساسی به آن پرداخته است و نشانه‌ای از عدالت اجتماعی است، مانعی قانونی برای پیشگیری از بروز واقعه جمع مشاغل است که مشکلات زیادی را در پی دارد که یکی از آنها بی‌عدالتی است. نویسندگان حقوق اداری، هنگامی که از تکالیف و تعهدات مستخدم بحث می‌کنند، نخستین تکلیف مستخدم را منع جمع مشاغل برمی‌شمرند. (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۷۸) یکی از تعهدات و تکالیف مستخدم، انجام شغلی است که بر عهده او گذاشته شده است. این تکلیف که اولین تعهد و تکلیف مستخدم را تشکیل می‌دهد، در حالی که بر مستخدم تحمیل می‌شود، جوانبی را دربردارد:

۱. مستخدم باید شغلی را که به آن منصوب شده است اشتغال کند. استتکاف از پیوستن به پست سازمانی، یک خطا در نظام اداری محسوب می‌شود که مجازات در پی دارد. همچنین فرد مزبور، ممکن است به عنوان کسی که ترک پست کرده، منظور شود و در نتیجه این امکان وجود دارد که موجب خلع شدن وی از پست اداری اش گردد.

۲. مستخدم باید وظیفه شغلی خود را به طور پیوسته انجام دهد

۳. مستخدم باید وظایف شغلی اش را شخصاً انجام دهد. او نمی‌تواند آنچه را که خود موظفاً باید انجام دهد به دیگری تفویض کند مگر در مواردی که متن قانونی آن را تجویز نماید. (administratif, 1973:138 - 139)

از دیگر حلقه‌های پیوسته به تعهد خدمت، این موضوع است که مستخدم، متعهد است خود را منحصرأ وقف وظیفه و شغل خود نماید. این تعهد بر مبنای مقررات مربوط به جمع مشاغل استوار است. (Elian, 1975: 16) اگر حقوق مستخدم (حقوق و مزایای مالی و غیرمالی) و تعهدات و تکالیف او را که عبارت است از اشتغال پستی که در آن منصوب شده و ترک نکردن آن، به طور پیوسته انجام دادن وظایف شغلی و رعایت ساعت‌های کاری، شخصاً انجام دادن کاری که به عهده او گذاشته شده را با دیگر تکالیف مستخدم (بی‌نظری، رازداری،

مبانی و دلایل اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران □ ۳۹

وفاداری، فرمان‌بری، اجرای قوانین و ...) و مهم‌تر از همه، نداشتن بیش از یک شغل را مورد توجه قرار دهیم و در نظام اداری، این حقوق و تکالیف را به دقت مراعات کنیم، نظام صحیح اداری که قانون اساسی در اصل سوم بر آن تأکید ورزیده، به وجود خواهد آمد و نهایتاً هدف کلی نظام اسلامی که «عدالت اجتماعی» است، محقق خواهد شد.

۳. مبناهای تاریخی

در کشور ما منع جمع مشاغل که در اصل یکصد و چهل و یکم ظهور یافته، پیش از آن در اولین قانون اساسی (مشروطیت) نیز آمده است. در متمم قانون اساسی مشروطیت مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵، سه اصل به این موضوع اختصاص یافته است.

۱. اصل سی و یکم: «یک نفر نمی‌تواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد».
۲. اصل سی و دوم: «چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل می‌شود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف به استعفا از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود».
۳. اصل شصت و هشتم: «وزراء موظفاً نمی‌توانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند».

اصل سی و یکم، منع جمع مشاغل را درون قوه مقننه (مجلس سنا و مجلس شورای اسلامی) مطرح می‌کند. مسلماً عضویت همزمان در دو مجلس، فلسفه وجودی نظام دو مجلسی را - که برخوردار شدن لایحه یا طرح از پختگی و اندیشه‌ورزی است - نفی می‌کند.

به موجب اصل سی و دوم متمم قانون اساسی، یک نماینده نمی‌تواند اعتبار نمایندگی داشته باشد و هم شغل دولتی. هر کارمند بعد از انتخاب شدن به نمایندگی مجلس اجباراً باید در مدت قانونگذاری از شغل دولتی استعفا کند. (وفادار، ۱۳۷۴: ۳۰۳)

براساس اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی مشروطیت، «قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود». انفصال قوای سه‌گانه اقتضا می‌کند که تداخل انجام نشود و در نتیجه، اقتدار قوه‌ای به قوه یا قوای دیگر صورت نپذیرد. تفکیک و انفصال قوای سه‌گانه یکی از دلایل مهم منع جمع مشاغل است. عدم رعایت اصل سی و دوم، موجودیت

اصل بیست‌وهشتم که مبتنی بر انفصال قوا می‌باشد را برهم می‌زند. اصل شصت‌وهشتم متمم قانون اساسی مشروطیت نیز وزرا را از تصدی شغلی دیگر برحذر می‌دارد. این اصل نیز به منع جمع مشاغل در قوه مجریه اشاره دارد، البته تنها یک دسته از مسئولین را مشمول این موضوع قرار می‌دهد و آن هم «وزیران» می‌باشند. در این اصل به دیگر کارمندان دولت هیچ اشاره‌ای نشده است.

در مجموع، متمم قانون اساسی مشروطیت به صورتی کامل به موضوع منع جمع مشاغل نپرداخته و همچنین به مواردی همچون قوه قضائیه و کلیه کارمندان دولت به جز وزراء، هیچ گونه اشاره‌ای نکرده است.

۴. مبنای فکری و فلسفی (دیدگاه فلاسفه سیاسی اسلامی و یونانی)

از دیرباز که طرح بهبود جامعه سازماندهی شده و دولت، فکر فیلسوفان سیاسی را به خود مشغول کرد و نظریه‌های مدینه فاضله، جامعه سالم، مدینه عاده، آرمانشهر، جامعه مدنی و دیگر اصطلاحاتی از این قبیل، ارائه گردید، منع جمع مشاغل نیز یکی از ارکان آن جوامع به شمار می‌رفته است. افلاطون و ارسطو دو اندیشمند بزرگ یونان باستان و اندیشمندان بزرگ اسلامی همچون ابونصر محمد فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوعلی سینا و خواجه نظام الملک و ... در این باب نظراتی ارائه کرده‌اند که به اختصار ذیلاً بیان می‌گردد.

افلاطون (۴۲۷ - ۳۴۷ ق.م) حکیم و فیلسوف مشهور یونان نظریه ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل و بدون متصدی نماندن شغل‌ها را نخستین بار در کتاب جمهور بیان می‌کند و آن را از مهم‌ترین مصادیق عدالت برمی‌شمرد. او دلایلی را به شرح زیر برای این اصل بیان می‌دارد:

۱. وقت هر کس، به کاری که استعداد آن را دارد صرف شود.
۲. هر کاری در فرصت و موقعیت خود انجام یابد.
۳. با طرز عمل بهتر و آسان‌تر، کارهای بیشتری انجام یابد.
۴. هر کس در فکر پیشرفت کار و شغل خویش بوده و دغدغه شغل دیگر نداشته باشد.

(افلاطون، ۱۳۳۵: ۱۱۶ - ۱۱۴)

ارسطو (۳۸۴ - ۳۳۲) شاگرد افلاطون، در کتاب سیاست، پای‌بند خود را به اصل منع جمع مشاغل، شرط خرد سیاسی و دمکراسی می‌داند. او معتقد است که انجام صحیح کار و

مبانی و دلایل اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران □ ۴۱

وظیفه‌ای که به مأمور و مستخدم سپرده شده مستلزم آن است که تمرکز حواس داشته و از پربشانی و پراکندگی افکار بپرهیزد و داشتن چند شغل موجب پراکندگی و تشویق افکار می‌گردد.

... واگذاری چند منصب به یک تن، بسیار زیان‌آور است. هیچ کاری به خوبی انجام نمی‌گیرد مگر آنکه فقط یک تن آن را انجام دهد. (ارسطو، ۱۲۱: ۱۳۹۰)

ابونصر محمد فارابی (۲۵۹ - ۳۳۹ ق) معلم ثانی در نظریه مدینه فاضله خود، اصل «هر فرد، یک کار» را بیان می‌دارد و می‌نویسد:

به هر کسی که در مدینه فاضله است شایسته است که هنر، شغل یا تخصص واحدی تفویض گردد که فقط مشغول به همان گردد و به انجام کار واحدی بپردازد، چه در مرتبه خدمت باشد و چه در مرتبه ریاست. (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۶: ۲۹۵)

با توجه به اینکه فارابی اعتقاد به تخصص‌گرایی دارد و هیچ کس نمی‌تواند در چند شغل متخصص گردد و مشاغل زیادی در جامعه وجود دارد؛ بنابراین هر فرد باید تنها به یک شغل اشتغال ورزد تا مقصود حاصل آید.

ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) حکیم، طبیب و فیلسوف مشهور، در الهیات شفا، طرح «مدینه عادلانه» را ارائه نموده است و معتقد است که انسان‌ها به تنهایی نمی‌توانند متکفل همه امور معیشتی خود گردند. پس نیازمند زندگی مدنی‌اند و در این زندگی، نیازمند تقسیم کار و بهره‌مندی از توانایی‌های یکدیگرند. او می‌گوید:

وجود و بقای انسان نیازمند مشارکت است. مشارکت به مفهوم احساس تعهد تک تک انسان‌ها برای حضور فعال در اجتماع و مدینه و برعهده گرفتن یک نقش ویژه می‌باشد. (شکوری، ۱۳۸۴: ۳۰۶ - ۳۰۵)

خلاصه نظرات ابن سینا عبارت است از: ۱. مشارکت افراد در امور جامعه؛ ۲. هر کس حرفه و شغلی داشته باشد؛ ۳. هیچ شغلی بدون متصدی نباشد؛ ۴. تقسیم کار و برعهده گرفتن یک نقش ویژه. (ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل)

خواجه نظام الملک طوسی (۴۸۵ - ۴۰۸ ق) در کتاب سیاست‌نامه، جمع مشاغل را موجب بی‌رونقی، عدم پیشرفت، بی‌نظمی، خلل و نقص در مشاغل، کوتاهی در امور، معطل ماندن و انجام نگرفتن کارها و بیکاری افراد جامعه می‌داند. او قول بزرگان را مستند خویش قرار داده

و بیان می‌دارد: «هر شخصی، یک شغل» و باز می‌گوید:

نباید که مردی را دو عمل بفرمایند الا هر مردی را عملی، تا همه متصرفان با عمل باشند و همه عمل‌ها با رونق باشد. دیگر، چون دو عمل، یک مرد را فرمایی، عیش بر متصرفان تنگ شود. (خواجه نظام الملک، بی‌تا: ۱۴۸)

خواجه نصیرالدین طوسی (۶۲۷ - ۵۹۸ ق) حکیم، فیلسوف، ریاضی‌دان و منجم مشهور، در کتاب «اخلاق ناصری» در باب اخلاق پادشاهان، بحث ممنوعیت دارا بودن دو شغل را مطرح نموده و برای آن سه دلیل بیان می‌کند. او ابتدا معتقد است که سرشت هر انسانی استعداد کاری خاص را دارد و هر کس استعداد، مهارت و استادی در هر شغل را ندارد. دلیل دوم او این است که هر کس که شغل و حرفه‌ای دارد برای اینکه در آن شغل و کار خود، صاحب دقت نظر و تجربه و مهارت و محکم‌کاری و ترقی بیشتر آن شغل و حرفه شود، باید مدتی طولانی متصدی آن شغل گردد و اگر فکر و همت و اندیشه او که باید بر یک شغل متمرکز شود به حرفه‌ها و شغل‌های متفاوتی مشغول گردد، اختلال و بی‌نظمی به وجود آمده و کارها نیمه تمام باقی می‌ماند. دلیل سوم خواجه نصیر این است که انجام هر کاری، وقت و زمانی مخصوص به خود دارد که اگر در آن زمان انجام شود، پیشرفت حاصل می‌گردد و اگر زمانش بگذرد معطل می‌ماند و هرگاه شخصی صاحب چند شغل باشد نمی‌تواند همه آن کارها را در وقت مناسب خود انجام دهد. (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۶: ۲۸۸)

آنچه مطرح گردید، دیدگاه عده‌ای از اندیشمندان (یونانی و اسلامی) درباره منع جمع مشاغل بود. بی‌گمان اندیشمندان دیگری هم هستند که در این باب، اندیشه خود را بیان کرده‌اند. همین مقدار که بیان گردید گواهی است بر اینکه منع جمع مشاغل از مباحث مهم و ریشه‌دار حقوق عمومی محسوب می‌گردد و از موضوعات کاربردی در جامعه است.

فصل دوم: دلایل

در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی هنگام تدوین اصل یکصد و چهل و یکم دلایلی برای ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مطرح شده است که آنها را بیان کرده و سپس به صورتی دسته‌بندی شده دلایل اندیشمندان و علمای حقوق را بیان می‌کنیم.

مبانی و دلایل اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران □ ۴۳

- آیت‌الله خامنه‌ای: اینها که ما (در اصل ۱۴۱) اسم بردیم مستقیماً در جریان کسب منافع و سوء استفاده از مقام هستند.
- ضیائی: این اصل برای این است که افرادی مثل رئیس‌جمهور و ... عهده‌دار یک مسئولیتی هستند در مقابل ملت و کشور، اینها از کارشان باز نمانند.
- دکتر بهشتی (نایب رئیس): دو چیز است، ذیلش بری جلوگیری از اعمال نفوذ احتمالی و صدرش مربوط به این است که مشاغل دولتی متراکم نشود.
- یزدی: روشن است که ملاک این اصل، رشد استعدادهاست.
- قرشی: ما می‌خواهیم کسانی که در رأس امور واقع می‌شوند اشخاصی باشند که دنیاپرست و سودجو نباشند ... چرا باید عده‌ای دو سه نوع کار داشته باشند و عده زیادی بی‌کار بگردند؟
- دکتر بهشتی (نایب رئیس): در حقیقت این اصل برای جلوگیری از تمرکز مشاغل در افراد معین بوده، یک نوع مبارزه با انحصارطلبی قدرت است و همچنین یک نوع مبارزه با اعمال نفوذ ... «(بی‌نا، ۱۳۶۴: ج ۲ / جلسات ۴۹ و ۵۰)

چکیده دلایل اعضای مجلس مذکور عبارت است از:

- منع سوءاستفاده از مقام و کسب منافع.
 - باز نماندن از کار اصلی خود و خوب انجام گرفتن مشاغل.
 - جلوگیری از اعمال نفوذ احتمالی.
 - متراکم نشدن مشاغل دولتی در افراد معین.
 - رشد استعدادها.
 - جلوگیری از ایجاد زمینه رشد بیکاری عده‌ای و پرکاری عده‌ای دیگر.
 - مبارزه با انحصار طلبی قدرت.
 - جلوگیری از پیشامد وقفه در کارها.
 - فعالیت‌ها را بیشتر در مسیر کارها و منافع ملت قرار دادن.
- * در مجموع، دلایلی که برای ممنوعیت جمع مشاغل مورد استناد قرار می‌گیرد عبارتند از:

۱. جلوگیری از وقفه در کارها

کسی که متصدی چند شغل باشد نمی‌تواند به همه آنها در وقت موظف، رسیدگی کند. پیامد منفی تصدی چند شغل، ایجاد وقفه و تعطیلی در انجام امور است، هر چند که بر طبق قانون

استخدام کشوری، مستخدم دولت حق ندارد عملی انجام دهد که باعث وقفه در کارها و امور اداری کشور بشود و یکی از موارد ایجاد وقفه، اجتماع چند شغل در یک فرد است.

اصل ۵۵ قانون استخدام کشوری مقرر می‌دارد: «مستخدم دولت از هر نوع عملی که موجب ایجاد وقفه در امور اداری کشور شود، ممنوع است».

یکی از مواردی که در امور و کارهای اداری وقفه ایجاد می‌کند این است که مستخدم به جز شغل خود، شغل همزمان دیگری هم داشته باشد. اگر قرار باشد یک مستخدم به وظایف شغلی خود برسد و آنها را با توجه به تکالیفی که دارد به صورت منظم و مستمر انجام دهد و در ساعات اداری بر سر کار خود حاضر باشد و ترک پست نکند، آیا کسی که چند شغل دارد، می‌تواند - در صورت انجام وظایف شغلی و با توجه به یکی از ویژگی‌های شغل که مستمر بودن آن است - وظایف مربوط به آن شغل را بی‌وقفه و به خوبی و با کارایی بالای مربوط به یک شغل، انجام دهد؟ مسلماً جواب منفی است.

اگر وظایف و تکالیف مستخدم را در کنار هم بیاوریم، با یک دید عقلانی درمی‌یابیم که بیش از یک شغل داشتن با انجام این وظایف و تکالیف، ناسازگار است؛ پس امر غیرقانونی تحقق می‌یابد.

۲. جلوگیری از اعمال نفوذ احتمالی

یکی از نتایج تعدد مشاغل در یک فرد، احتمال نفوذ توسط متصدی جمع مشاغل است. اگر مشاغلی که در یک فرد جمع می‌شود از دو قوه یا قوای ثلاثه باشد، این احتمال نفوذ خطرناک‌تر و شدیدتر خواهد بود؛ زیرا اصل تفکیک قوا را درهم می‌ریزد و یا باعث تأثیرگذاری برخی از اقتدارات قوه‌ای بر قوه دیگر می‌گردد. «اصل بر تعارض بین عضویت مقننه و اجرائیه یا قضائیه است». (قاضی، ۱۳۷۰: ۴۷۳)

تفکیک و استقلال قوای سه گانه، مستلزم تفکیک و استقلال اعمال سازمان‌ها، اشخاص و مدیران و اموال این قوا از یکدیگر است ... چنانچه فردی با شغل و پستی معین در قوه‌ای همزمان متصدی شغل و پست دیگری در قوه دیگر باشد گامی آشکار برای شکستن اصل تفکیک و استقلال قوا برداشته و علت وجودی آن را مورد تجاوز قرار می‌دهد.

مبانی و دلایل اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران □ ۴۵

نگرانی اصلی در مدیریت امور، صرفاً به خاطر افراد و اشخاصی است که با نفوذ فزاینده و سلطه مقتدرانه خود ارزش‌ها را بر هم می‌زنند و برای جامعه مورد نظر ایجاد مزاحمت می‌کنند. (هاشمی، ۱۳۶۹: ۷۸)

مسلم است شخصی که دارای چندین شغل دولتی است به مراتب شغل خود در هر نهاد یا سازمان یا مؤسسه، نفوذ و اقتدار کسب می‌کند که این امر باعث بی‌ضابطگی و هرج و مرج و اعطای سمت‌ها و مسئولیت‌ها بر اساس رابطه و نفوذ و اقتدار افراد می‌شود و لیاقت و شایستگی کمتر خود را نمایان می‌سازد. پس، زمینه سوء استفاده و اعمال نفوذ، با داشتن بیش از یک شغل فراهم می‌گردد که این برخلاف مصالح سیاسی و اداری جامعه است.

۳. متراکم نشدن مشاغل دولتی در افراد معین و جلوگیری از ایجاد زمینه رشد بیکاری (عدالت استخدامی و شغلی)

عدم رعایت اصل منع جمع مشاغل باعث تمرکز و تراکم چندین شغل در افرادی معین می‌گردد.

فلسفه منع دو شغلی بودن ... به خاطر یک سلسله مصالح کلی جامعه است که مشاغل، عادلانه تقسیم بشود و تقسیم عادلانه شغل در سطح جامعه ایجاد می‌کند که اشخاص به شغلی که شغل اولشان است و برعهده دارند، اهتمام بورزند. (عمید زنجانی، بی تا: ۲۴)

بر اساس قانون اساسی، همه مردم در برابر قانون یکسانند. همان گونه که مردم مکلف هستند قوانین را اجرا کنند، از طرفی هم حق دارند از مزایای قانونی بهره‌مند گردند. عدالت استخدامی ایجاد می‌کند که همه افراد دارای شرایط قانونی، عندالاقضاء بتوانند متصدی مشاغل دولتی گردند. اگر این مشاغل در دست عده‌ای متراکم گردد و هر فرد دارای بیش از یک شغل باشد، این اصل قانون اساسی زیرپا گذاشته می‌شود و تبعیض بر جامعه حاکم می‌گردد. بند ۹ اصل سوم قانون اساسی بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۸) را از وظایف دولت برمی‌شمرد.

بنابراین، منع جمع مشاغل، دلیلی بر عدالت استخدامی و شغلی محسوب گشته و باعث می‌گردد که تمرکز مشاغل در دست فرد یا افرادی معین فراهم نگشته و زمینه رشد بیکاری به وجود نیاید.

۴. جلوگیری از انحصارطلبی قدرت و به وجود آمدن استبداد

یکی از نتایج زیانبار جمع مشاغل، تمرکز قدرت و منحصر شدن آن در افرادی معین و در نتیجه به وجود آمدن استبداد و خودکامگی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۶ اصل سوم، یکی از وظایف دولت را «محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» برمی‌شمرد. اعطای مشاغل متعدد به فرد یا افرادی معین، در حقیقت، قدرت دادن به آن فرد یا افراد است و این خطری است که اندیشمندان را واداشت تا در جهت سرشکن کردن قدرت، نظریاتی ارائه دهند. تفکیک قوا نخستین گامی بود که در جهت جلوگیری از تمرکز قدرت برداشته شد. همچنین اگر درون یک قوه نیز مشاغل متعدد به فرد یا افرادی معین سپرده شود، خودبه‌خود اراده و رأی دیگران کنار گذاشته می‌شود و خودکامگی فردی یا گروهی جایگزین قانون می‌شود.

به هر حال، چون یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران محو هر گونه استبداد و خودکامگی است، بنابراین اجرای اصل پنجاه و هفتم و همچنین اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی این هدف را محقق می‌سازد.

۵. جلوگیری از تضييع بودجه عمومی

یکی دیگر از دلایلی که برای منع اجتماع دو یا چند شغل در یک فرد می‌شود بیان کرد این است که از حیث و میل بیت‌المال جلوگیری به عمل آید. دور از عدالت است که یک نفر از صندوق و خزانه عمومی بیش از یک بار حقوق دریافت کند؛ هر چند که تنها دلیل منع مشاغل متعدد، گرفتن چند حقوق نیست. در ماده ۴۳ قانون استخدام کشوری نیز آمده است: «... وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی نمی‌توانند غیر از حقوق و مزایای پست سازمانی مورد تصدی و فوق‌العاده‌ها و هزینه‌ها و پاداش مندرج در این فصل تحت هیچ عنوان وجهی به مستخدمین خود پرداخت کنند...». همچنین از ماده ۸۸ تا ۹۰ قانون استخدام کشوری نیز مواردی را پیرامون منع جمع دو حقوق مقرر می‌دارد. البته موارد استثنایی هم بر این اصل وجود دارد.

۶. لوٹ نشدن و بیهوده نگشتن مسئولیت‌ها

یکی از پیامدهای منفی چند شغلی بودن، لوٹ شدن مسئولیت‌های محوله می‌باشد؛ چراکه

کارمند چند شغله نمی‌تواند به صورت مداوم در محل کار خود حاضر شود و در نتیجه، از با رجوع نسبت به اداره مایوس می‌گردد و کارهای اداری، انجام نیافته باقی می‌ماند. مستخدم کشور باید خود را وقف شغلی که به او واگذار شده نماید تا اداره دارای رونق بوده و مردم به انجام کار خود امیدوار باشند. قبلاً بیان شد که خواجه نظام‌الملک، پدیده چندشغلی را باعث بی‌رونقی می‌داند. پست‌ها و مسئولیت‌ها باید همچنان محترم بمانند و با مراجعه مردم به اداره، جوابگویی صورت پذیرد.

پس، مسئولیت‌ها نباید به وضعی تبدیل گردد که حالت بیهودگی پیدا کند که در آن هنگام، احترام، نظم، ابهت و اقتدار نظام سیاسی و اداری از بین خواهد رفت.

۷. رشد استعدادها و تخصص‌گرایی

یکی از وظایف نظام اداری، رشد استعدادها و تربیت نیروی انسانی متخصص است. مسلماً با تقسیم اندیشه و نیروی بدنی هر انسان شاغل، استعدادهای او به خوبی بروز نمی‌کند و فرد، صاحب تجربه و مهارت در کار نمی‌شود. فلاسفه سیاسی از قبیل افلاطون و ارسطو و به ویژه فارابی بر مسئله تخصص‌گرایی در ایجاد مدینه فاضله مطلوب خود، تأکید فراوان داشته‌اند. هر کس را برای مقصودی آفریده‌اند، بنابراین باید در جهت ایفای آن و رشد استعداد خویش به منظور رسیدن به مقصد تلاش کند. هر کس باید در مسیر استعداد، مهارت و تخصص خویش پیش رود تا کار به خوبی انجام شود و فرصت تحقیق و بررسی برای او فراهم آید. جمع مشاغل متعدد در یک فرد یا افراد معین زمینه بروز و رشد استعداد را از بین برده و در نتیجه، مهارت و تجربه برای متصدی مشاغل مورد نظر به وجود نمی‌آید و عدم پیشرفت کشور را در پی دارد.

علاوه بر دلایلی که ذکر شد می‌توان دلیل روان‌شناسانه‌ای نیز بر آن افزود و آن «جلوگیری از کاهش کارایی» است. در نتیجه تحقیقاتی که پیرامون «اثر کار مضاعف بر کارآمدی» به صورت آزمایشی انجام گرفته است، این موضوع به اثبات رسیده که کار مضاعف، سرعت کار و کارایی را پایین می‌آورد. (عیسی مراد، ۱۳۷۵)

همچنین علمای حقوق برای ممنوعیت جمع مشاغل دلایل دیگری را نیز ذکر کرده‌اند؛ از قبیل جلوگیری از تداخل قوا، سرشکن کردن قدرت، جلوگیری از فساد اداری، ضایع نشدن حقوق مردم، پیشگیری از کوتاهی در پیشرفت و نظم امور، بهتر و زودتر انجام گرفتن کارها،

همچنین برخی از اندیشمندان از بعد اقتصادی به این موضوع پرداخته‌اند که البته به سطوح پایین کارمندان دولت برمی‌گردد.

نتیجه

اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی از آن جهت مدنظر تدوین کنندگان قانون اساسی قرار گرفته و به تصویب رسیده که دارای مبانی شرعی، حقوقی و فلسفی است. امام علی (ع) در فرمانش به مالک اشتر، زمانی که او را والی مصر می‌گرداند اصل منع جمع مشاغل در یک فرد و بدون متصدی نماندن شغل‌ها را گوشزد کرده است. فیلسوفان سیاسی یونانی و اسلامی در آثار خویش به این اصل توجه کرده‌اند. افلاطون در طراحی آرمانشهر خود، فارابی در مدینه فاضله، ابوعلی سینا در مدینه عاده و دیگر اندیشمندانی که فکرشان به ساخت و طراحی شهر سالم مشغول گشته است، به این اصل مهم پرداخته‌اند. برای ممنوعیت اجتماع مشاغل در یک فرد دلایلی منطقی و مهم ارائه شده است که عدم وقفه در کارها، جلوگیری از اعمال نفوذ احتمالی، لوث نشدن مسئولیت‌ها، سرکش شدن قدرت، عدالت استخدامی و شغلی، رشد استعدادها و تخصص‌گرایی از جمله این دلایل است.

بی‌شک پایه اصلی اجرای این اصل، گسترش عدالت اجتماعی است که نظام اسلامی بیش از هر چیز باید آن را نصب‌العین خود قرار دهد.

منابع و مأخذ

۱. نهج البلاغه، بی‌تا، تصحیح صبحی صالح، دارالهجرة قم، نامه ۵۳.
۲. ابوالحمد، عبدالحمید، ۱۳۷۰، حقوق اداری ایران، توس، چ ۴.
۳. ارسطو، ۱۳۹۰، سیاست، ترجمه حمید عنایت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۷.
۴. افلاطون، ۱۳۳۵، جمهور، کتاب دوم، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ اول.
۵. بی‌نا، ۱۳۶۴، مشروح مذاکرات اعضای بررسی نهایی قانون اساسی، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلسات ۴۹ و ۵۰، چ اول.
۶. خواجه نظام‌الملک، بی‌تا، سیاست‌نامه، نسخه اصلی (بی‌نشان) فصل چهل و چهارم، بی‌جا، بی‌نا.

- مبانی و دلایل اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران □ ۴۹
۷. شکوری، ابوالفضل، ۱۳۸۴، *فلسفه سیاسی ابن سینا و تأثیر آن بر ادوار بعدی*، نشر عقل سرخ، چ ۱.
۸. طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۵۶، *اخلاق ناصری*، تنقیح و تصحیح: مجتبی مینویی و علی رضا حیدری، تهران، خوارزمی، چ ۱.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی، بی تا، *روزنامه رسمی*، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۵۵، شماره ۱۴۴۵۱.
۱۰. عیسی مراد، ابوالقاسم، ۱۳۷۵، «اثر کار مضاعف بر کارآمدی»، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. قاضی، سید ابوالفضل، ۱۳۷۰، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.
۱۲. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، *کافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰، *پیام امام*، ج ۱۱، انتشارات امام علی بن ابی طالب، چ ۲.
۱۵. ناظرزاده کرمانی، فرناز، ۱۳۷۶، *فلسفه سیاسی فارابی*، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء، چ ۱.
۱۶. وفادار، علی، ۱۳۷۴، *حقوق اساسی در تحولات سیاسی*، تهران، شروین، چ ۱.
۱۷. هاشمی، سید محمد، ۱۳۶۹، «سیستم حقوقی منع جمع مشاغل در نظام جمهوری اسلامی ایران»، *مجله دانش مدیریت*، شماره ۸.
18. Droit administratif, Jean-Marie, Auby-Robert, Ducos- Ader, 3em edition, Dalloz, 1973.
19. Eliau, Ayaub, *La fonction Publique*, 1975.

ضرورة الحكم الديني مع التأكيد علي محورية سلطة الفقه الاجتماعي

روح الله شاكري زواردهي^١ / مرضيه عبدلي مسينان^٢

الخلاصة: الفقه الاجتماعي يدور حول السلطة في ذاته، بمعنى ان تطبيق العديد من احكام الاسلام يتوقف على وجود حكومة وسلطة. ومن جانب آخر، فان اهداف الفقه الاسلامي لها ماهية حكومية. لذلك، فان تحقيق هذه الاهداف رهن - فقط - بوجود حكومة دينية. حيث انه وبفقدان الحكومة الدينية الصالحة، تتعطل العديد من احكام الاسلام او تطبق بشكل ناقص. وفي الحقيقة، بين الفقه الاسلامي والتدين من جهة والحكومة والسلطة من جهة اخرى رابطة غير قابلة للفصل. ويسعى هذا المقال، من خلال نظرة اجمالية الي بعض الاحكام الاجتماعية الاسلامية واهداف الفقه، الي اثبات ضرورة الحكومة الدينية من اجل تحقيق اهداف الفقه وتطبيق احكامه.

الكلمات المفتاحية: الحكومة، الاسلام، الفقه الاجتماعي، الاحكام.

الأسس والأدلة التي تقوم عليها المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية

الايروانية (منع الجمع بين المشاغل)

فيروز اصلاني^٣ / عبد المجيد رحمانيان^٤

الخلاصة: المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الايروانية، من المواد الاساسية والتي تمنع الجمع بين عدة مشاغل. ولهذه المادة اساس ومبنى شرعي، قانوني، فكري، فلسفي وتاريخي. ومن اجل منع قيام شخص بعدة مشاغل واعمال، هناك ادلة متعددة جرى بيانها، من جملتها: الحيلولة دون توقف الاعمال، الحيلولة دون احتمال اعمال النفوذ، العدالة في التوظيف والعمل، الحيلولة دون تضييع بيت المال، تنمية القابليات، واحترام التخصص. كما ان الاهتمام بهذه المادة يعد امرا مهما للغاية من اجل اقامة مجتمع سليم.

الكلمات المفتاحية: المشاغل، فصل السلطات، عدالة التوظيف، المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الايروانية.

١. استاذ مساعد في جامعة طهران.

٢. ماجستير في علم الكلام، مجمع فارابي التابع لجامعة طهران.

٣. استاذ مساعد في جامعة طهران.

٤. طالب دكتوراه قانون عام بجامعة طهران.

u.abdoli@gmail.com

aslanif@ut.ac.ir

مساحات النزاع بين خطابي العولمة والاسلام السياسى مع التاكيد على آراء الامام الخمينى قده وسيد قطب

مرتضى شيرودى^١ / على عنبر^٢

الخلاصة: خطابا العولمة والاسلام السياسى يستعينان من اجل هيمنة الهوية التى يطرحها كل منهما على معانى خاصة من العلامت المطروحة على الساحة الحياتية، لكن مساحات النزاع بينهما من خلال رؤية الامام الخمينى قده وسيد قطب لا تزال غامضة وغير واضحة... ومن هذا المنطلق سنواجه هذا التساؤل: ما هى مساحات او مناطق النزاع بين خطابي العولمة والاسلام السياسى فى ضوء آراء الامام الخمينى قده وسيد قطب؟ يظهر ان الخطابين مختلفان فيما يتعلق بالسلطة، العدالة، المشاركة، التنافس وغيرها. والهدف من هذا المقال هو بيان عدم الانسجام القائم بين الخطابين فى الظاهر والمضمون من خلال تحديد مساحات النزاع بينهما.

الكلمات المفتاحية: الامام الخمينى، سيد قطب، النزاع، الخطاب، العولمة، الاسلام السياسى.

الانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية من منظار سماحة قائد الثورة

فريبا سادات محسنى سهى^٣

الخلاصة: يسعى هذا المقال الى معرفة اكثر برؤية سماحة قائد الثورة فى مجال الانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية، باعتبارها خطوة مؤثرة فى تنفيذ مشروع التطور العلمى فى البلاد. لذلك تسعى الكاتبة ومن خلال منهج التحليل المضمونى للمعطيات الاساسية، الى استخراج رؤى ومواقف سماعته من بين الخطابات والوثائق والمواقف التى صدرت عنه فى مجال العلم والتقنية و...، وبالتالي بيان النموذج المفهومى للانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية. وستكون النتائج فى محاور مثل: الشروط، الارضيات، الاستراتيجيات العامة، والاجراءات الوطنية المناسبة التى تحتاجها عملية الانتقال هذه، مدخلا للعلماء والباحثين والمسؤولين المعنيين.

الكلمات المفتاحية: سماحة قائد الثورة، العلوم السياسية الغربية، العلوم السياسية الاسلامية، القيم الاساسية، نهضة البرمجيات، التعامل البناء.

dshirody@yahoo.com

١. استاذ مساعد فى معهد الامام الصادق عده العالى.

alianber.84@gmail.com

٢. ماجستير فى التاريخ المعاصر للبلدان الاسلامية، جامعة المصطفى عده.

mohseni_sadat@yahoo.com

٣. طالبة دكتوراه علوم سياسية بجامعة طهران.

الحرب الثقافية للمستكبرين: الاهداف والاستراتيجيات

عبد الله حاجي صادقي^١

الخلاصة: جبهة الاستكبار في مواجهة دائمة مع جبهة الثورة الاسلامية، وبسبب فشلها في مجالات الحرب الصلدة او شبه الصلدة، فانها جعلت أهم محاور هجومها في الحرب الثقافية واستهداف الأسس والاركان التي تقوم عليها الثورة الاسلامية، مثل الماهية الدينية، محورية الولاية، الروح الجهادية والثورية، خطاب الثورة الاسلامية وغير ذلك، ومن خلال ادوات متعددة ومتنوعة، وصفت استراتيجيات تنفيذية لتطبيق هذا الهجوم البرمجي والقيمي ضد اسس واركاب الثورة. وبما ان فهم مختلف ابعاد الحرب الثقافية التي يقوم بها الاستكبار بشكل عميق، يعد من أهم مصاديق البصيرة والشرط الاساس في الدفاع عن الثورة الاسلامية، فقد بدأ المقال بتحديد سبعة أهداف ومنافذ لهجوم الاعداء الثقافي، ثم جرى بيان الاستراتيجيات التنفيذية التي يتبعها الاستكبار بشكل عام.

الكلمات المفتاحية: الحرب الثقافية، جبهة الاستكبار، الثورة الاسلامية، الاستراتيجيات التنفيذية.

دراسة مقارنة للتنظيمات اليسارية في خمسينيات وسبعينيات القرن الماضي

محمد رضا حاتمي^٢ / روح الله لطفى زاد^٣

الخلاصة: الاتجاهات الفكرية التنويرية في الخمسينيات بايران، وكالعديد من بلدان العالم الأخرى، يعد نوعا من النضال ضد الرأسمالية الاميركية. لذلك نرى ان التيار التنويري اليساري في الخمسينيات، ومثاثر بنحو ما بالنضال العالمي. في حين ان التيار الحزبي اليساري ينظر دائما الى خارج الحدود ويستلم اوامره وكراساته مباشرة من موسكو. في السبعينيات قام حزب تودة وتنظيمات ماركسية اخرى ومن اجل الحصول على قاعدة اجتماعية، بعملية التقاطية تجمع بين الاسلام والماركسية! كانوا يعدون انفسهم في اوكار تنظيمية وينفذون اغتيالات ثورية ويقومون باعمال كما حصل في غابة "سياهكل"، لكن أزمة وفتنة ٤ فبراير/ شباط (١٩٨٠) ومن ثم هروب بنى صدر من ايران ما تلى ذلك من تطورات ورفض اهلية مرشحهم في الانتخابات، جعل القوى اليسارية تنزل الى الشارع. ودراسة التطورات التي واجهتها هذه التنظيمات وأوجه التشابه في ادائها وسلوكها خلال عقدي الخمسينيات والسبعينيات، هو هدف هذا المقال.

الكلمات المفتاحية: حزب تودة، الماركسيون، الهوية، انتفاضة النفط، التنوير، الاتجاهات اليسارية.

yamahdi433@mihanmail.ir

١. استاذ مساعد بمجمع الشهيد محلاتي للتعليم العالى.

hatami5@yahoo.com

٢. استاذ مساعد بجامعة "بيام نور".

lotfizad_58@yahoo.com

٣. طالب دكتوراه معارف اسلامية - جامعة "بيام نور" طهران.

العلاقة بين الاقتدار والمرجعية العلمية والتقانية... والاقتدار والأمن القومى للجمهورية الاسلامية الايرانية

فرهاد رهبر^١ / حسن حسين زاده^٢

الخلاصة: مع الأخذ بالتأكيدات المستمرة لقائد الثورة حول تحقيق المرجعية العلمية والتقانية فى العالم، وايضاً وفقاً للحديث المروى عن أمير المؤمنين عليه السلام والذى يشير فيه الى مكانة العلم ودوره فى الاقتدار والقوة، يسعى الباحثان ومن خلال المنهج التركيبى من دراسات مكتبية ومتابعات ميدانية، الى دراسة العلاقة بين الاقتدار والمرجعية العلمية والتقانية وتأثيرها على الأمن القومى. ومع الأخذ باختبارات الفرضية، يقدم البحث احصائيات عن معطيات الاستبيان حول حصول الجمهورية الاسلامية الايرانية على الاقتدار العلمى وفى النهاية المرجعية العلمية والتقانية فى العالم مع شروحات فى طيات المقال، وتأثير ذلك على ايجاد الاقتدار وضمان الأمن القومى.

الكلمات المفتاحية: المرجعية العلمية والتقانية، انتاج العلم، الاقتدار، الاقتدار العلمى، الأمن القومى.

دراسة عناصر الدبلوماسية الاقليمية للثورة الاسلامية وتقديم استراتيجية

غلام رضا كريمى^٣ / حسين على توتى^٤

الخلاصة: هذا البحث ومن خلال طرح هذا السؤال، وهو: ما هى المكانة التى حققتها الدبلوماسية الاقليمية للثورة الاسلامية الايرانية فى النظام القائم بالشرق الأوسط وفى ايجاد نموذج اقليمى جديد؟ يصل الى هذه الاجابة، وهى: بالنظر الى أهمية منطقة الشرق الأوسط باعتبارها الدائرة الاولى لعمق الاستراتيجية الدبلوماسية الايرانية، وبسبب طبيعة الثورة الاسلامية، فان لايران قدرات كامنة فى مختلف مجالات الثورة الناعمة فى هذه المنطقة. وبعد الموجة الاخيرة للصحة الاسلامية ايضا، فان تأثر هذه الانتفاضات والحركات والبلدان الشرق أوسطية بطبيعة القوة الناعمة للثورة الاسلامية، قابله اتجاهات غريبة من القوة الناعمة، تقوم على نشر قيم الديمقراطية الليبرالية فى الشرق الأوسط.

الكلمات المفتاحية: الدبلوماسية الاقليمية، الاستراتيجية، الثورة الاسلامية الايرانية، القوة الناعمة، الشرق الأوسط.

١. أستاذ بجامعة طهران.

٢. طالب دكتوراه فى القانون الدولى.

٣. استاذ مساعد بجامعة الخوارزمى.

٤. طالب دكتوراه علاقات دولية بجامعة الخوارزمى.

ghkarimi@khu.ac.ir

h.tooti@ut.ac.ir

الاهداف، الرسالة والعوامل الاستراتيجية للبيئتين الداخلية والخارجية للثورة الاسلامية

محسن باليزبان^١

الخلاصة: في اطار الادارة الاستراتيجية، فان الشرط الأساس لتدوين استراتيجية من أجل الوصول الى الظروف القائمة المنتهية الى الوضع المطلوب أو المنشود، هو امتلاك رسالة ورؤية استشرافية وقائمة بالعوامل الرئيسية أو الاستراتيجية في البيئة الداخلية (نقاط القوة والضعف) والبيئة الخارجية (الفرص والتحديات). والهدف من هذا المقال هو اعداد وكتابة رسالة واستشراف مستقبل واعداد قائمة بالعوامل الاستراتيجية للثورة الاسلامية في اطار تحليل استراتيجي (SWOT) ناتج عن الأهداف النهائية، السياسات العامة ومطالبات اصحاب المنفعة والشأن في الثورة الاسلامية.

الكلمات المفتاحية: الرسالة، الاستشراف، العوامل الاستراتيجية، الثورة الاسلامية.

الحج والامكانيات الداخلية للعالم الاسلامي في الصحوة الاسلامية

بالاستناد الى فكر الامام الخميني (رض)

محسن محمدى^٢ / غلام رضا بهروز لك^٣

الخلاصة: الامام الخميني ومن خلال نظريته السياسية والاجتماعية الى الحج، يلفت انتباه المسلمين الى امكانيات الحج في الصحوة الاسلامية. ففي ندائه بمناسبة موسم الحج يرى ان روح الصحوة الاسلامية تتجلى في النضال ضد الاستعمار والاستكبار، ويدعو المسلمين الى تذكر وظائف الحج السياسية والاجتماعية التي يجرى التغافل ودعم الصحوة الاسلامية. فمن وجهة نظر الامام الخميني (رض) يعتبر الحج فسحة للوعي والتنقيف فيما يتعلق بالاسلام وقضايا العالم الاسلامي والبراءة من المشركين، ضمن عملية بعث للهوية والانسجام بين بلدان العالم الاسلامي في مقابل الكفر والاستعمار باعتباره العدو المشترك لجميع المسلمين.

الكلمات المفتاحية: الحج، الصحوة الاسلامية، الامام الخميني، الاستعمار، الاسلام السياسي، الاحياء الديني.

mpalizban@ut.ac.ir

mohsen2941@yahoo.com

١. دكتوراه علوم سياسية - فرع الدراسات الايرانية من جامعة طهران.

٢. طالب دكتوراه الثورة الاسلامية.

٣. استاذ مساعد بجامعة باقر العلوم عالي.